

**Abstract**

Financial crime is one of the major challenges of the world's legal and judicial systems today, and the experience of countries shows the fact that the application of criminal penalties and strict strategies in curbing such crimes has not been very successful. Financial crimes are also very common in Iran and the judiciary has faced a serious problem. Criminologists believe that preventive approaches are more effective, including the economics of happiness and religious beliefs. By controlling economic problems and improving people's income and livelihoods, as well as strengthening religious beliefs, it can prevent financial crime. This article seeks to examine the impact of the economics of happiness and religious beliefs on reducing financial delinquency. The research method in this paper is descriptive-analytical and the research findings indicate that the economy of happiness and strengthening religious beliefs have a significant impact on reducing financial crime.

**Keywords:** Economic Happiness, Financial Crime, Iranian Penal System, Religious Belief, Inflation

## تأثیر پیشگیرانه اقتصاد شادکامی و باورهای دینی بر کاهش بزهکاری مالی

احسان بیانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۸/۳/۱۴۰۱

فاطمه احدی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۲۱/۶/۱۴۰۱

جمال بیگی<sup>۳</sup>

## چکیده

بزهکاری مالی از چالشهای عمده نظامهای حقوقی و قضایی جهان امروز است و تجارب کشورهای حاکی از این واقعیت است که اعمال مجازاتهای کیفری مدار و راهبردهای سختگیرانه در مهار این گونه جرائم چندان موفق نبوده است. در ایران نیز بزهکاریهای مالی بسیار شایع بوده و دستگاه قضایی کشور را با یک معضل جدی مواجه کرده است. جرم شناسان رهیافتهای پیشگیرانه را مؤثرتر میدانند و از جمله این رهیافتهای، اقتصاد شادکامی و باورهای دینی میباشد. با مهار معضلات اقتصادی و بهبود وضع در آمد و معیشت مردم و در کنار آن تقویت باورهای دینی، میتواند از بروز بزهکاری مالی پیشگیری کند. این مقاله به دنبال بررسی تأثیر اقتصاد شادکامی و باورهای دینی بر کاهش بزهکاری مالی می باشد. روش تحقیق در این نوشتار به صورت توصیفی تحلیلی بوده و یافته های تحقیق حاکی از این مطلب است که اقتصاد شادکامی و تقویت باورهای دینی بر کاهش آمار بزهکاری مالی تأثیر بسزایی دارد.

**کلمات کلیدی:** شادکامی اقتصادی، بزهکاری مالی، نظام کیفری ایران، باور دینی، تورم

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

قوام و پویایی هر جامعه ای مبتنی بر قواعد و هنجارهایی است که دارای ضمانت اجراهای رسمی و غیر رسمی می باشد و در هر جامعه ای انتظار بر این است که شهروندان در روابط اجتماعی خود الزامات و ضرورت‌های ناشی از قواعد و مقررات را رعایت بکنند و هر نوع انحراف از آن الزامات و هنجارها جرم محسوب شده و مجازات‌هایی را به دنبال دارد. (Gundelach, ۲۰۰۴: ۱۳۴) از جمله جرایم رایج و پردامنه در جوامع جهانی، جرایم و بزهکاری های مالی و اقتصادی می باشد که حقوق دانان آن را مجموعه ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط تجاری و کسب و کار در یک جامعه می دانند و معمولاً در چهارچوب فعالیت حرفه ای، شرکت یا مدیریت آن (جرایم شرکتی) یا افراد عادی در تعاملات مالی خود مرتکب می شوند. (گسن، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

جرایم مالی علل و ریشه های متعدد و متنوعی چون بیکاری، پایین بودن نرخ دستم زدها، توزیع نامتعادل ثروت، زیاده خواهی و طمع اشخاص، تورم و بالا بودن قیمت ها، افزایش افسار گسیخته هزینه های رفاهی، فقدان یا ناکارآمدی سیستم های نظارتی، ابهام یا احمال در نظام حقوقی کشور و از این قبیل می باشد که عواقبت و آثار منفی گوناگونی چون اخلال در تولید و توزیع ثروت، افت رشد اقتصادی، شیوع بحران های فرهنگی، امنیتی و سیاسی در جامعه، گسترش فقر و نابرابری را به دنبال خواهد داشت. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۱) همچنین دولت مجبور می شود که برای مهار این گونه جرائم و پیشگیری از وقوع آنها و برقراری نظم و امنیت در حوزه اقتصاد ملی و تامین حقوق شهروندان نهادهای مبارزکننده با جرائم مزبور را از نظر کمی و کیفی گسترش بدهد و از طرفی هزینه هایی را نیز در راستای تعقیب و دستگیری و حبس و بازآموزی بزهکاران و مجرمین متحمل بشود که در نهایت موجب کاهش منابع و امکانات اقتصادی برای تخصیص در توسعه و بهبود زیر ساخت های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، ورزشی می گردد و بدین ترتیب ضریب تولید و توسعه در جامعه افت می کند. (مداح، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

از نگاه جرم شناسان، توسل به خشونت برای مهار جرم علاوه بر اینکه پایه علمی و منطقی ندارد. بلکه به لحاظ عدم توجه به ریشه ها و علل وقوع جرم و برخورد صرف بامعلول چندان نتیجه بخش نخواهد بود. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۷) نظام های حقوقی مدرن، امروزه رویکردهای پیشگیرانه را در مهار بزهکاری های بیشتر مورد توجه قرار داده اند. در این راستا نیز پیشگیری اجتماعی که سعی بر حذف علل و ریشه های اجتماعی جرم را دارد در اولویت جرم شناسان و قانون نویسان قرار گرفته است. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر و اصلاح در افراد و بستر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، درصدد کاهش پایداری و همیشگی آمار بزه در جامعه است. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۹۷) امروزه اقتصاد

شادکامی از مهم ترین رویکردهای پیشگیرانه در سیاست های جنایی کشورها محسوب می شود و متصدیان عدالت کیفری بر نقش اقتصاد شادمانی در پیشگیری از بزهکاری مالی توجه ویژه دارند. از منظم جرم شناسان رفع مشکلات اقتصادی و رونق بازار کسب و کار و توزیع متعادل ثروت و تثبیت قیمت ها و بهبود معیشت مردم و اقتصاد خانوارها و ارتقاء سطح کیفی رفاه و بهداشت شهروندان و اشتغال زایی مستمر باید مورد توجه جدی و از اولویت های مهم سیاست گذاران و نهادهای تقنینی و قضایی کشور باشد. (اکرمی و اکرمی، ۱۳۹۵: ۱) در کنار اقتصاد شادکامی، باورهای دینی نقش موثری در کاهش بزهکاری مالی خواهد داشت. باورهای دینی و افزایش و تثبیت آن یکی از اساسی ترین فاکتورهای پیشگیری از جرم است. دینداری، عاملی مهم در خشکاندن چشمه های فساد و تباهی است و در مقابل، سر نخ همه جرایم و گناهان را باید در نبود یا ضعف دینداری حقیقی و درست افراد جست. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۲۴)

بر همین اساس پرسش اصلی پژوهش آن است که اقتصاد شادکامی و تقویت باورهای دینی چگونه می تواند بر کاهش بزهکاری مالی موثر باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ها، محقق ابتدا به منظور آگاهی بیشتر از موضوع و روش مرتبط با این پژوهش در تحقیقات گذشته، پیشینه شناسی و بررسی در این تحقیقات را مطرح می نماید. سپس مفاهیم ضروری تحقیق ارائه می گردد.

#### پیشینه تحقیق

وسنا نیکو ایچ و ریسنا نویچ، (۲۰۱۴)، نویسندگان در این اثر با ارائه برخی نظرها، یافته ها و تجربه های خود امیدوارند که موجب ایجاد انگیزه و پژوهش یا تشویق جرم شناسان برای پژوهش در فضای جدید با حرکت به سوی گزینه های نوید بخش تری بشوند که می تواند هم برای بزهکاران و هم برای بزه دیدگان و بالطبع برای همه مردم جهان مفید واقع شود. در این نوشتار به شادی و نقش بالقوه آن در پیشگیری از جرم پرداخته شده است.

آقا و داس (۲۰۱۳) ابعاد جرایم اقتصادی را در کشور هند با توجه به جهانی شدن و آزادسازی بررسی نموده و روش هایی را برای کاهش آن پیشنهاد کرده اند. آنها استدلال می کنند که مقررات ناسازگار فراوانی در هند وجود دارند که راه ارتکاب جرایم اقتصادی با استناد به برخی از آنها هموار می شود. تعریف و بازنگری مفاهیم مرتبط با جرایم اقتصادی، اتخاذ تدابیر قانونی و اصلاحات سازمانی از لازمه های پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی در هند ذکر شده اند.

لیو، پواه و انت بنگ (۲۰۱۱) جرایم یقه سفیدها را در مالزی مورد مطالعه قرار داده اند. این مطالعه اشاره می کند که ارتکاب جرایم یقه سفیدها در مالزی ناشی از این است که اشخاص و شرکتها اعتقاد دارند سایر رقبا نیز برای برنده شدن در قراردادهای رشوه پرداخت می کنند. از جمله سایر دلایل؛ ضعف در کنترل های داخلی، اشتیاق برای دریافت امتیازات شخصی و ضعف اخلاقی، کنترل اندک بر عملکرد

مدیران، کسب نتایج مالی مناسب توسط مدیران ارشد، سختی رسیدن به اهداف مالی، تبانی کارکنان با ارباب رجوع، ترس از دست دادن شغل، تأثیر همکاران و عدم پرداخت مزایای سالانه ذکر شده‌اند. احدی، پور قهرمانی و احمدی سربرزه، (۱۳۹۸)، چنین عنوان می‌کنند که اگر اقتصاد شادمانی بتواند از همان ابتدا در میان کودکان نفوذ کند و آنها خوشبخت بودن را به صورت واقعی تجربه کنند کمتر گرفتار مشکلات اجتماع خواهند شد و این وضعیت در پیشگیری از بزهکاری این طیف از کودکان در آینده موثر خواهد بود.

نوخانی دخت بهمنی و میر محمد تبار، (۱۳۹۴)، از منظر ایشان وقوع جرم، به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد. با توجه به این که از طرفی عامل اقتصادی، عامل مهمی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی بر روی وقوع جرم دارد، از طرف دیگر، تحقیقات متعددی در زمینه عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران صورت گرفته، ولی جمع بندی آنها در این اثر انجام گرفته است.

#### مبانی نظری

محقق ساختن یک جامعه‌عاری از هر گونه جرم و بزه از اهداف راهبردی ارکان حکومتی هر کشوری محسوب می‌شود. به لحاظ جایگاه بنیادین آن، نظامهای حقوق مدرن تعریف مشخصی از جرم ارائه داده‌اند و در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به آن تصریح کرده و در درکترینهای حقوقی نیز جرم را به معنای کنشهای مخالف‌نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است، تعریف نموده‌اند. (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۱). تا دهه‌های اخیر نظامهای عدالت کیفری در خصوص مهار و مدیریت جرائم احتمالی، رویکردی سختگیرانه داشته و به ابزارهای خشن و کیفرمدار متوسل می‌شدند که علیرغم پرهزینه بودن، نتیجه موردنظر نیز حاصل نمی‌شد. ولی امروزه از این رویکرد فاصله گرفته و شیوه‌های نوین مبتنی بر مطالعات علمی و پیشگیرانه را اتخاذ نموده‌اند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۲)

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و هم چنین «آگاه کردن، خبرچیزی را دادن و هشدار دادن» است. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۸). و در اصطلاح جرم‌شناسی، پیشگیری به معنای به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. (اکبری، ۱۳۸۰: ۱۴). پیشگیری از جرم در دو مفهوم عام و خاص به کار برده می‌شود. در مفهوم عام، اقدامات پیشگیرانه واجد صیغه کیفری بوده و خاصیت ایجاد رعب و وحشت، رسواکنندگی و سرکوبگری را دارد و از طریق تدابیر ماهوی و شکلی اعمال می‌شود و در مفهوم خاص، تدابیر پیشگیرانه، ناظر از اقدامات غیر قهرآمیز است که یا بر خود فرد اعمال می‌شود یا بر وضعیت. زیرا فرض بر آن است که تعامل میان عوامل شخصی و وضعی، شخص را

در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۷: ۱۰۰۵). بر این اساس پیشگیری غیر کیفی به دو نوع پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود. پیشگیری وضعی یعنی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. ایجاد تغییر در مراحل ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. (همان: ۶۵۳). در پیشگیری اجتماعی، هدف ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و پیشگیری از وقوع جرم به صورت پایدار و همیشگی است که از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه معیارهای اعمال خوب و بد به فرد القا گردیده و قدرت ارزیابی عملکرد خویش کسب می‌کند. در این نوع پیشگیری ریشه‌ها و علل وقوع این نوع پیشگیری به کارگیری اقدامهای غیر قهر آمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و ورزشی در محیطهای مختلف در صدد از بین بردن عوامل محیطی جرمزا یا حداقل کاهش تأثیر آن بر افراد بدین ترتیب، پیشگیری اجتماعی با توجه به این انگاره که گونهای مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیرگذار هستند بر استفاده از اقدامهای غیر قهرآمیز محیطمدار به منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرمزا تمرکز می‌کند. بدین ترتیب اقدامات متعدد تربیتی، و زیستی، هنری، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی و امثال آنها که نقش اساسی در تکوین و شکلگیری شخصیت افراد جامعه دارند در مقوله پیشگیری اجتماعی جا می‌گیرند. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶۰). اقتصاد شادکامی نیز از جمله شیوههایی است که در زیرمجموعه پیشگیری اجتماعی جا می‌گیرد.

#### نقش پیشگیرانه اقتصاد شادکامی

اقتصاد شادکامی از حوزههای جدید در علم اقتصاد بوده و در تعاملی نزدیک با مباحث شادکامی علم روانشناسی میباشد. در تعریف شادی، برخی به احساسات و عواطف توجه خاصی نشان میدهند و شادی را احساسات یا هیجانات مثبت قلمداد میکنند، مانند برادبورن<sup>۱</sup> که شادی را چنین تعریف میکند: میزان احساسات مثبت (خوشی و لذت و ...) منهای احساسات منفی (ترس، استرس، دلهره و ...). بعضی نیز تعریف شناختی از شادی ارائه میدهند. در این دسته از تعاریف، ارزیابی مثبت و رضایت از کل زندگی مطرح است. در تعاریفی نیز از ترکیب این دو تعریف استفاده میشود. آنچه مسلم است، این است که شادی به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود تأثیرات منفی و رضایت. هر یک از سه جزء یاد شده، قسمت مهمی از ساختمان شادی را تشکیل میدهد. دو مؤلفه اول، منعکس کننده جنبههای عاطفی است و به خوشی و لذت مربوط میشود؛ در حالیکه مؤلفه سوم عمدتاً شناختی است و بر اساس ارزیابی از اوضاع زندگی فرد در حال و گذشته اوست. اجزای مربوط به خوشی و لذت و شادی، به افزایش احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی اشاره دارد؛ اما در زمینه

۱. Bradburn

مؤلفه شناختی شادی، ناهمگونی نسبی وجود دارد. این مؤلفه به دستیابی به هدف با تأکید بر رضایت از زندگی و معنا در زندگی مربوط می‌شود. (گروبر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۶۷).

یکی از دیدگاه‌های مرتبط با شادکامی، نظریه گیدنز در خصوص مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز معتقد است مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است؛ اما خطرات و ناامنیهای دیگری را جایگزین آن کرده است. از عوامل تهدیدکننده شادمانی از نظر گیدنز عبارت است از: ۱. تهدیدهای خوشنآمییز ناشی از صنعتی شدن جنگ؛ ۲. متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظامهای انتزاعی؛ ۳. احساس ناامنی و اضطراب وجودی. از عوامل تأمین‌کننده شادمانی از نظر وی نیز میتوان به اعتماد همراه با احتیاط به نظامهای انتزاعی و اعتماد و وانهادن امور زندگی به دست نظامهای تخصصی و دگرذیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب نام برد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۸).

برخی نظریات جامعه‌شناسی هم، پدیده شادمانی را در ارتباط با نظامهای چهارگانه، یعنی نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام اجتماعی و سیاسی مطرح میکنند. طبق این دیدگاه، چنانچه هر یک از چهار نظام اصلی جامعه، پاسخگوی مؤثر علایق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، نوعی احساس مثبت ایجاد میکند که زمینه ساز شادمانی افراد است؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همینطور حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هر یک به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی احساس عزت و احترام میشوند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۷۱). البته پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه، تاحدودی موکول به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهارحوزه، در سطح فردی سبب ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه میشود. در غیر این صورت، توسعه ناموزون در برخی کشورهای در حال گذار، نه تنها موجب شادمانی نمیشود، بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثر آحاد جامعه فراهم میکند. پس شادی، با حالات تأثیرگذار مثبتی همچون خوش بینی و تفکر مثبت و ادراک شخصی از رفاه مشخص میشود و منابع مختلفی مانند اوضاع اجتماعی در تولید شادی مؤثر است (کریستی میزل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۲۲۵).

از جمله عوامل مؤثر در شادکامی، شاخصهای اقتصادی میباشند که در تحقیقات و مطالعات مرتبط از آن با عنوان اقتصاد و شادکامی یاد میکنند. در تعدادی از تحقیقات اقتصادی شادکامی با مبحث شادکامی مترادف و به عنوان دو عبارت همپوشان استعمال شده است. ولی بنظر نگارنده و با استناد به مواضع علمی تعدادی از اندیشه‌ورزان، حوزه شادکامی خیلی گسترده‌تر از حوزه اقتصاد شادکامی است.

۱. Gruber

۲. Christie-Mizell

شادکامی از متغیرهای متعدد سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، جامعه‌شناسی، خصائص شخصیتی متأثر می‌شود. در حالی که اقتصاد شادکامی در خصوص تأثیر شاخصهای کلان اقتصادی موثر بر شادکامی افراد بحث میکند. بیشتر مطالعات انجام گرفته در این راستا نشان داده است که شرایط عینی، به خودی خود نقش تعیین کننده‌ای در سطح دومین عامل مؤثر در ایجاد شادمانی که در تحقیق حاضر بررسی شده است، سرمایه اقتصادی است. برخی تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شادمانی، به میزان چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته است. بیشتر نتایج این مطالعات نشان داده است شرایط عینی، به خودی خود نقش تعیین کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند. یکی از پیروان این دیدگاه، لین (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول، به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه، تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی منجر شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین، اظهار میکند به واسطه گسترش آزادیها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی جبران شده که این امر نیز، به ثابت ماندن سطح شادمانی منجر شده است. اینگلههارت در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسانها را به دو بخش کوتاهمدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط میکند تغییر وضعیت عینی در کوتاهمدت، ممکن است احساس آبی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد؛ اما در بلندمدت و با افزایش امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این اوضاع، سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست میدهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵).

اکثر مطالعات رفاه ذهنی و شادی، از درآمد برای معرفی پول و ثروت استفاده میکنند. جورج<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) با بررسی بیش از بیست مطالعه متوجه شد روابط بین دو متغیر درآمد و رفاه ذهنی مثبت و اغلب قوی است؛ با این حال، در روابط چند متغیره، رابطه بین درآمد و رفاه ذهنی کمتر ظاهر میشود. در مطالعات الویل<sup>۲</sup> نیز اثر معنی داری بین درآمد و رفاه ذهنی برای مردان مستتر گزارش شده است؛ ولی برای زنان مستتر، این رابطه معنی‌دار به دست نیامده است. در گزارش لاباربرا<sup>۳</sup> و گورهان (۱۹۹۷) نیز، درآمد کم در شادی افراد مذهبی تأثیر مثبت داشته است، ولی درآمد زیاد، تأثیر منفی بر میزان رفاه ذهنیشان نشان داد.

ونهوون (۱۹۹۱) مطرح میکند درآمد، به تأمین نیازهای معین افراد کمک میکند؛ بنابراین از عوامل شادی و بهزیستی ذهنی افراد است. برخلاف او، مایرز و داینر (۱۹۹۵) مطرح کردند ممکن است

۱. George

۲. Elwell

۳. La Barbera



نداشتن درآمد و پول عامل بدبختی باشد؛ اما رابطه بین پول و شادی و بهزیستی ذهنی، به هیچ وجه تکخطی و مثبت نیست. بنا بر نظر دیگر محققان، اهمیت مقایسه اجتماعی بر رابطه بین پول و شادی اثر میگذارد. محققان نشان داده اند ادراک و برداشت فرد از درآمد خود، به درآمد او در گذشته و درآمد افراد دیگر بستگی دارد؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی فرد بستگی به درآمد مقایسه‌ای خود دارد. (هیشه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۷۱)

عوامل اقتصادی، هدفی برای شادی نیست؛ بلکه به مثابه ابزاری برای دستیابی به انواع دیگری از اهداف اجتماعی است. استدلال این است که اقتصاد و درآمد، به افراد جامعه اجازه میدهد تا به زندگی بهتر و مرفه دست یابند. پول میتواند بیمارستان‌ها، مدارس، زیرساختها و... را تأمین کند، ولی نقش آن در ایجاد شادی مشخص نیست. کمپبل و راجرز (۱۹۷۶) اشاره میکنند، به رغم رشد عظیم اقتصادی در کشورهایی مانند ایالات متحده، مردم این جامعه، جامعه را بدون مشکلات اجتماعی تجربه نمیکند. در واقع، علیرغم افزایش راه، برخی مشکلات هم افزایش یافته است. (گندلیچ<sup>۲</sup> و کریئر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۲۱۵). اقتصاد دانان با مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که در طول پنجاه سال گذشته، با وجود افزایش ثروت مادی کشور، سطح خوشبختی امریکاییان در طول همان دوره زمانی ثابت مانده است. (موگلیئر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). براساس تعدادی از نظرسنجیها، کمپبل و همکاران متوجه شدند درصد امریکایی‌هایی که گفته‌اند بسیار خوشحال‌اند، به رغم رشد اقتصادی کاهش یافته است (گندلیچ و کریئر، ۲۰۰۴: ۲۱۷).

در زمینه تأثیر وضعیت اقتصادی بر میزان شادمانی، نتایج متفاوتی از تحقیقات به دست آمده است. داینر<sup>۵</sup>، سو، لوکاس<sup>۶</sup>، و اسمیت<sup>۷</sup> گزارش کرده اند که مردم کشورهای ثروتمند بسیار شادتر از مردم کشورهای فقیرند؛ اما مایرز (۲۰۰۰) بیان میکند که بین سطح درآمد و شادی در مردم امریکا و کانادا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد. آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد؛ اما پژوهشهای وی نشان می دهد این ارتباط بین اقشار کم درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف میسازد، بر شادمانی تأثیر دارد این در حالی است که

۱ Hsieh

۲ Gundealach

۳ Kreiner

۴. Mogilner

۵. Diener

۶. Lucas

۷. Smith

درآمد بیش از حد نیاز، شادمانی را افزایش نمیدهد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱) به اعتقاد داینر هم، داشتن غذا و سرپناه و امنیت از پایههای اصلی رضامندی و شادی به شمار میرود؛ ولی زمانی که افراد از این امکانات اولیه برخوردار باشند و ضروریات زندگی خود را تأمین کرده باشند، دیگر ثروت نقش اساسی ندارد (کریمی نوری، ۱۳۸۱). بنابراین، ثروت مانند سلامت است، فقدان آن بدبختی و ناشادمانی بهبار میآورد؛ ولی داشتن آن هیچگونه ضمانتی برای خوشبختی نیست.

میخالایی (۱۹۹۷) در رابطه تأثیر پول بر شادی معتقد است: ۱. افراد خیلی زود به سطح درآمد خود عادت می کنند؛ ۲. بیشتر مردم، درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می کنند؛ ۳. ثروت شاید برای زندگی مفید باشد؛ اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با پول قابل مقایسه و خریداری نیستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱)

موگیلنر (۲۰۱۰)، با مطالعه نمونه ۱۲۷ نفر دانشجو نشان داد، از نظر بیشتر دانشجویان، پول برای دستیابی به رؤیای امریکایی و شادی به عنوان حق مسلم افراد جامعه، بسیار حیاتی است. البته از نظر بسیاری از محققان روانشناسی رابطه ضعیفی بین پول و خوشبختی وجود دارد. اقتصاددانان دریافته اند سطح خوشبختی امریکاییها در طول پنجاه سال گذشته، باوجود افزایش ثروت مالی کشور در طی همان سالها ثابت مانده است (موگیلنر، ۲۰۱۰: ۱۹۲)

اقتصاددانان برای ارزیابی فرایند تأثیرگذاری اقتصاد شادکامی بر سطح رفاه و شادمانی هم چنین پیشگیری و مهار بزهکاری مالی دو رویکرد متفاوت را به کار گرفتهاند. رویکرد اول اینکه شاخص کلان اقتصادی را مبنای ارزیابی و برآورد رفاه قرار داده و رابطه آن را با بزهکاری مالی معکوس فرض میکنند. در واقع اقتصاددانان نوعاً آموختهاند که ترجیحات بر شاخصهای عینی استوار کنند. در این روش اقتصاددانان بیشتر بر آنچه که افراد انجام میدهند، مبنای ارزیابی قرار میدهند نه آنچه را که اراز میدارند. (دی تلا و مک کالو، ۲۰۰۶)

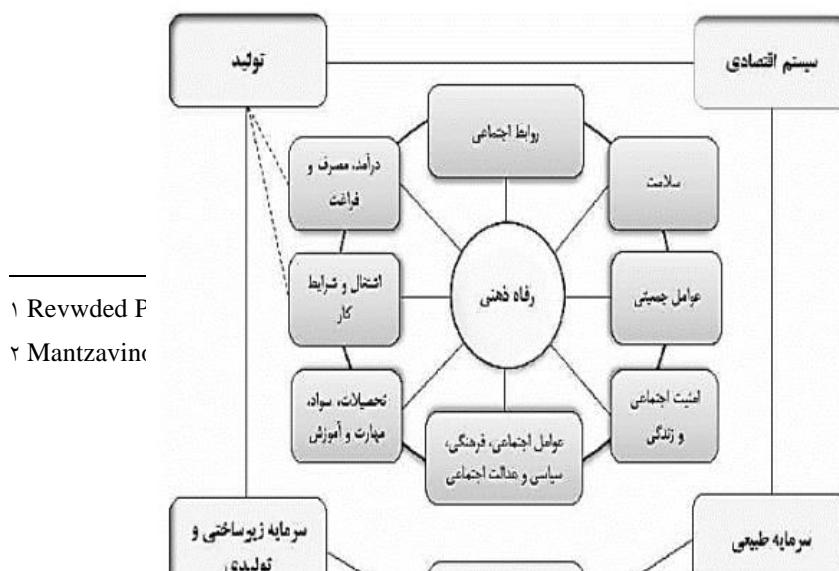
ضعف اساسی این رویکرد، کم توجهی به وجه غیرمادی رفاه و شادکامی میباشد. چرا که مطالعات روانشناختی نشان داده است که افراد ترجیحات مختلفی نسبت به مقولههای مادی و غیر مادی داشته باشند. ای بسا ممکن است افراد با کاری با درآمد کمتر ولی شأن اجتماعی بالاتر را بر کاری با درآمد بالا و شأن اجتماعی پایین ترجیح دهند (گراهام، ۲۰۰۹: ۱۷۶).

۱. Ditella and Mac Culloch

۲. Graham

برای جبران این نقیضه یافته‌های روانشناسی به کمک علم اقتصاد آمد و بدین ترتیب مکانیسم رفاه ذهنی برای ارزیابی میزان رفاه و شادکامی ابداع گردید. در این رویکرد به جای آنکه رفاه بر مبنای ترجیحات آشکار شده<sup>۱</sup> اندازه‌گیری و ارزیابی میشود، آن را از طریق ترجیحات بیان شده افراد اندازه‌گیری میکنند. در این رویکرد علاوه بر شاخصهای کلان اقتصادی، متغیرهای غیر اقتصادی موثر در رفاه ذهنی را نیز مورد مذاقه قرار میدهند. از جمله آنها میتوان به ویژگیهای شخصیتی، باورهای مذهبی، ساختار سیاسی حاکم، امکانات بهداشتی اشاره نمود. هم چنین در مطالعاتی که با این رویکرد صورت گرفت، این واقعیت مسجل گردید که ترجیحات مادی تا یک سطح بخصوصی که در افراد متفاوت است موجب شادکامی میشود، از یک مرحله بخصوص به بعد، تأثیرگذاری این شاخصها رو به افول میگراید. (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۴). شناخت عوامل مؤثر بر رفاه و شادکامی از طریق تجزیه و تحلیل دادههای رفاه ذهنی، اولاً به درک جامعتری از مفهوم مطلوبیت و گسترش نگاه رایج، که با بیان وابستگی آن به عوامل معدودی نظیر درآمد و نادیده گرفتن سایر شاخصهای اقتصادی و غیر اقتصادی تأثیرگذار، تحلیل ناقصی را ارائه میدهد، کمک میکند. ثانیاً بر اساس این شناخت میتوان سیاستگذاران را از طریق تبیین توابع ارزشی که بر اساس آن بتوان با حداکثرسازی کمیتی نزدیکتر به آنچه انسانها آن را رفاه میندازند، بر اثربخشی سیاستها امیدوارتر کرد. (نیلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳۶).

در هر حال اقتصاد شادکامی حاصل برآیند اثرات همه عوامل مؤثر بر زندگی فرد، اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. تمامی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد از فرایند تغییرات اجتماعی تأثیر می پذیرند. فرایند تغییرات اجتماعی براساس مطالعه منتزاونوس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۴)، از واقعیت آغاز شده و با اثرگذاری بر باورها، در نهایت نتیجه آن در واقعیات منعکس می شود. اما مسئلهای که وجود دارد این است که بازخورد نوع تفسیر ذهن انسان از این تغییرات و این که انسانها چگونه به این تغییرات واکنش نشان می دهند، برای پژوهشگران روشن نیست؛ اما مدل های موجود علم اقتصاد نمیتواند بعد احساسی و ذهنی انسان را تبیین کند. از این نظر بررسی فاکتورهای روحی، روانی و احساسی نقش مهمی را در شناسایی افکار انسان برای انجام انواع انتخابها، ایفا میکنند.



۱ Revwded F

۲ Mantzavinc

### عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی

بهبه‌رحال عوامل گوناگون اجتماعی - اقتصادی نظیر امید به زندگی، رشد جمعیت، توزیع درآمد، بیکاری، سطح تحصیلات، نرخ جرم و آزادیهای مدنی میتواند از جمله موارد مؤثر بر شادی باشد (Lu ۲۰۰۹: ۳) (& Li,

نقش پیشگیرانه باورهای دینی در کاهش بزهکاری مالی

بزهکار به عنوان شخصی که تصمیم گیرنده است و با وجود همه تدابیر پیشگیری اجتماعی و ریشه ای می تواند تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد باید کنترل شود. در تعالیم و دستورات دینی علاوه بر تلاش در زمینه فرهنگ سازی و قرار دادن انسان ها در مسیر هدایت و رستگاری، راهکارهای غیر کیفری بازدارنده ای در جهت بازداشتن فرد مصمم به ارتکاب بزه در نظر گرفته شده است. گاهی این راهکارها به ایجاد محدودیت هایی نسبت به افراد منتهی می شود، (لطفی و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) یکی از این راهکارها تقویت باور دینی می باشد. آموزه های دینی، اخلاقی و معنوی نقش موثری در پیشگیری از جرم و بزهکاری ایفا می کنند و حتی کسانی که تردیدهایی در این مورد داشته اند نیز به گونه ای به نقش بازدارندگی دین اذعان نموده اند. (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) یقین به قیامت و روز جزا آثار مثبت فراوانی برای فرد و جامعه در پیش گیری و کاهش جرایم و مفاسد دارد؛ زیرا انسان از نظر خواست طبیعی و فطری منفعت خواه، و از ضرر و زیان خویش به شدت متنفر و گریزان است. جلب منفعت و دفع ضرر، اعم از مادی و معنوی، در تمام ادوار زندگی محور فعالیت های او را تشکیل می دهد. انسان عاقل هیچ گاه آگاهانه دست به کاری نمی زند که صد در صد به ضرر او باشد. وجود انسان دلیلی بر معاد جسمانی است و افراد در هر سنی که باشند قبل از تولد اثری از آنها نبوده است. چه کسی ما را خلق کرد و چه کسی پدر و مادر ما را خلق کرد و اگر همینطور سلسله وار به عقب برگردیم می فهمیم خالق انسان موجودی مافوق انسان است که او همان خداست و خدایی که از هیچ ما را خلق نمود؛ توانایی آن را دارد که دوباره بعد از مرگ، آثاری که از استخوان ها مانده، دوباره ما را خلق کند؛ لذا خلقت دوم راحت

تر است. گرچه برای خداوند خلقت اول و دوم یکسان است. بدون شک اعتقاد واقعی به معاد، بزرگترین سد را در برابر هرگونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران ایجاد می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۷۶)

رویکرد فراتقنینی به مکانیسم اقتصاد شادمانی

همانطوری که در مباحث قبلی هم اشاره شد، رویکرد اقتصاد شادکامی در سیاست جنایی اغلب کشورها مورد توجه قرار گرفته و زیر ساختهای حقوقی و اجرایی کارآمدی را در این راستا پیشبینی و تعبیه نموده‌اند. در اسناد جهانی و منطقهای الزام آور و ارشادگر نیز این دسته اقدام‌ها به عنوان حقوق بنیادی افراد شمرده شده است که طبیعتاً دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. برای نمونه میتوان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که شمارهی از مواد خصوصاً مواد ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ این حقهارا که دارای ابعاد پیشگیرانه است شناسایی کرده‌اند. (Siegel, ۲۰۱۰: ۴۵۲)

توجه به جلوههای پیشگیری اجتماعی و به رسمیت شناختن این ابتکارها از جمله شیوه اقتصاد شادکامی در نظام قانونگذاری ما نیز مورد توجه بوده است. در مواد قانونی متعددی این مکانیسمها پیشبینی شده است. از جمله آنها میتوان به ماده ۱۲ و ۵۷ قانون مجازات اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ و قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ اشاره نمود.

در همین راستا، تعدادی از مصادیق پیشگیری اجتماعی در سطح مقررات فراتقنینی، یعنی در اصول قانون اساسی نیز شناسایی شده است که زمینه اساسیسازی این شاخه حقوق پیشگیری از جرم را فراهم آورده است. به این سان، خبرگان قانون اساسی با به رسمیت شناختن جلوه‌های این نوع پیشگیری در پهنه قانون اساسی به تدابیر پیشگیری اجتماعی و رویکرد اقتصاد شادکامی، اعتبار بنیادی داده‌اند تا ضابطه مندرکدن این تدابیر به قانونگذار واگذار شود. به این ترتیب، شماری از سازوکارهای این نوع پیشگیری از جمله بسترسازی برای آموزش و پرورش و توسعه آن یا فراهم ساختن زمینه‌های مناسب جهت کارزایی یا فقرزدایی، ارتقای سطح رفاه اجتماعی به عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۵۳)

اصول متعددی از این قانون، به‌ویژه اصول مربوط به فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» به این مصادیق اختصاص یافته است. این اقدام نویسندگان قانون اساسی سبب شده است تا پیشگیری اجتماعی از جرم در سطح مقررات فراتقنینی دارای پایه‌های اساسی شود، چنان که بتوان در پرتو آن از «اساسیسازی حقوق پیشگیری اجتماعی» در ایران سخن راند. به این سان، شماری از بارزترین سازوکارهای اینگونه پیشگیری در پرتو قانون مذکور، جنبه اساسی یافته است. در این چارچوب میتوان به اصول بیست و هشتم، سیام و سیویکم به‌عنوان نمونه اشاره داشت. محیط خانواده که نقش بنیادی در

پروراندن شخصیت افراد و متمایل ساختن آنان به پیروی از ارزشهای اساسی اجتماعی ایفا می کند، از برجسته ترین سازوکارهای پیشگیرانه است (نوربها، ۱۳۹۸: ۱۸۰). در مقدمه قانون اساسی و زیر عنوان «زن در قانون اساسی»، خانواده... «واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان...» معرفی شده است...». همچنین به موجب اصل دهم بر این نکته تأکید شده است که: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد». این سیاست، نشاندهنده توجه خبرگان به نقش محوری محیط خانواده در چگونگی مدنی و جامعه پذیر شدن افراد است و بر این اساس، قانونگذار عادی و دیگر سیاستگذاران نیز باید در چارچوب این سیاست به اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه مطلوب سازی محیط خانواده برای پرورش شخصیت افراد مبادرت ورزند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۶۳)

در پرتو قانون مذکور، ظرفیت نهاد خانواده در مدنی و جامعه پذیرسازی افراد یعنی پیروی از بایدها و نبایدهای اجتماعی کیفی که در حوزه پیشگیری جامعه مدار، نقش بنیادی ایفا مینماید، جنبه اساسی پیدا کرده است. طبیعتاً، بارزترین پیامد این فرآیند، تبعیت سیاستگذاران از این رویکرد نویسندگان قانون اساسی است چه اینکه خانواده به عنوان نخستین محیط که افراد به واسطه تولد در آن حضور مییابند، پایهگذار سامانه رفتاری آنان بوده و همین قابلیت سبب شده است تا به این سازوکار پیشگیرانه اعتبار اساسی داده شود. در واقع، در این محیط است که افراد با ارزشها و هنجارها آشنا شده و به سمت پذیرش الگوی رفتاری و شناخت نقش ها و مناسبات اجتماعی پیش میروند. (اکبری، ۱۳۸۰: ۲۷).

در کنار این محیط، مدرسه نیز در پرورش درست شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تأثیرگذار است زیرا افراد در این عرصه، علاوه بر سوادآموزی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا میشوند و چگونگی برخورد با مناسبات اجتماعی را فرا می گیرند. (Siegel, ۲۰۰۹: ۲۰۰) در واقع، محیط تحصیلی با داشتن توانایی آموزش آموزههای علمی و برخورداری از مهارت و امکان کارایی در آینده، زمینهای تربیت و پرورش شخصیت آنان و قانونگرایی را فراهم می آورد. این ظرفیت، محیط مذکور را به یکی از مؤثرترین سازوکارهای پیشگیری اجتماعی از جرم تبدیل کرده است.

خبرگان قانون اساسی در بند ۳ اصل سوم «آموزش و پرورش... رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را در شمار وظایف بنیادین دولت گنجاندهاند. در همین راستا، در اصل سیام این قانون مقرر شده است که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان

را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

به این سان، مؤسسان قانون اساسی با در نظر داشتن این نکته که آموزش و پرورش، زمینه‌ای مناسب برای آموختن آموزه‌های علمی و فراگیری هنجارهای بنیادی اجتماعی فراهم می‌سازد، آن را در شمار حقوق بنیادی ملت قرار داده‌اند. این ابتکار، به حق بر آموزش و پرورش که علاوه بر داشتن جنبه حقوق بشری، کارکردی پیشگیرانه نیز دارد، اعتبار اساسی داده است تا به این واسطه همه سیاستهای عادی و برنامه‌ها در بستر آموزش و پرورش برای درست تربیت شدن افراد و هنجارمندسازی آنان فراهم شود.

پیشگیری اجتماعی در کنار دو محیط خانواده و مدرسه به ظرفیتهای اوقات فراغت نیز برای کاهش گرایش افراد به سمت بزهکاری توجه نشان می‌دهد. ایجاد امکانات مناسب برای اوقات فراغت شهروندان بخصوص کودکان، نوجوانان و جوانان می‌تواند سهم بسزایی در پروراندن درست شخصیت آنان ایفا کند. به همین جهت، مطابق بند ۳ اصل سوم «... تربیت بدنی رایگان ...» برای همه شهروندان به عنوان یکی از اصلیتین تکالیف دولت‌ها پیش بینی شده است تا اوقات فراغت افراد در راستای رشد نظام مند رفتار آنان ساماندهی شود. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۴۴)

در عرصه پیشگیری اجتماعی، بهبود وضعیت مالی - اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تأثیرگذار است. شماری از افراد، تحت تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی ناشی از بی‌کاری، فقر، نداشتن مسکن به بزهکاری و انحرافات اجتماعی رو می‌آورند. (Siegel, 2010: 201)

نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش بنیادی اقدام‌های اقتصادی و اجتماعی در کاهش میزان بزهکاری، شماری از اصول این قانون را به این دسته اقدام‌ها اختصاص داده‌اند. طبیعتاً این ابتکار، اسباب اساسی‌سازی تدابیر مالی - اقتصادی پیشگیرنده را فراهم آورده است. بند ۱۲ اصل سوم در واقع به دنبال «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینهای تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» بوده و آن را به‌عنوان وظیفه راهبردی دولت پیشبینی کرده است. بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و بنیان‌گذاری رفاه اقتصادی می‌تواند در کاهش تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی بر بزهکاری افراد، نقش‌آفرین باشد. در همین چارچوب، در اصل چهل و سوم «... ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، ... بر اساس ... ضوابط ...» (۱) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش ... و (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه

کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند...» مبنای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شمار آمده است. این پنداشت، بیانگر این نکته است که دولت باید برای ایجاد سامانه اقتصادی مطلوب که به شکوفایی اقتصادی بینجامد، بر مؤلفههایی مانند فقرزدایی، اشتغالزایی و مهیاساختن کمینه های اقتصادی زندگانی تمرکز کند. همین اقدام، در توانمندسازی مالی - اقتصادی شمار زیادی از شهروندان، نقش آفرین است و میتواند به کاهش تمایل آنان به بزهکاری منتهی شود. بهررو، در قلمرو پیشگیری اجتماعی، ایجاد امکانات مناسب برای رفاه اقتصادی و اجتماعی به منظور دسترسی شهروندان به کمینه های زندگی و در نتیجه ازبینبردن و کاهش تأثیر عوامل مالی و اقتصادی جرمزا از شاخصترین ابتکارها به شمار می رود که در شماری از نظریه های جرم شناسانه خصوصاً نظریه های فشار و مارکسیستی تبلور یافته است. میدانیم که بود ابزارها مانند کار، تحصیلات یا در دسترسنبودن آن ها برای رسیدن به هدفهای مشروع اجتماعی، زمینه گرایش شماری از شهروندان به توسل به وسایل و راههای نامشروع از جمله بزهکاری را فراهم میسازد. در واقع، بودن یا نبودن برابری در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و امکان ناپذیربودن استفاده از ابزارهای مشروع بهم منظور دستیافتن به هدف مورد توجه در یک جامعه واکنشهای متعددی را در پی دارد که ارتکاب بزهکاری از شاخصترین آنهاست. (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۱۱) بنابراین، هرگاه ابزارهای مساوی مثل فرصتهای برابر کار یا ارتقای وضعیت مالی - اقتصادی برای شهروندان جهت دست یافتن به هدفها باشد، تأثیر مشکلات مالی - اقتصادی بر گرایش افراد به ارتکاب بزهکاری کاهش مییابد.

#### نتیجهگیری

در دهه های اخیر اعمال راهبردهای پیشگیرانه برای مهار جرائم از سوی نظامهای حقوقی دنیا بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بکارگیری شیوه های سختگیرانه و کیفرمدار به لحاظ پرهزینه بودن و عدم نتیجه بخشی مورد انتظار، کم رنگ شده است. از جمله مکانیسمهای پیشگیرانه قابل توجه در این فرایند، رهیافت اقتصاد شادکامی میباشد البته تقویت باورهای دینی در این بین بی تأثیر نیست. هر انسانی به هنگام انجام هر عملی، در صورتی که بیننده ای ناظر بر اعمالش باشد، مواظب است تا رفتار صحیح و شایسته انجام دهد و از امور ناپسند بپرهیزد. حتی اگر کودکی ناظر بر کردار او باشد، از ارتکاب کارهای ناشایست سرباز می زند. هر اندازه این ناظر نزد فرد بزرگ و با عظمت باشد، بیشتر از رفتار خویش مراقبت می کند. حال اگر این بیننده، خداوند متعال باشد، و افراد نیز به آگاهی او بر رفتار و اعمالشان توجه داشته باشند، تأثیر بیشتری بر رفتار آنان داشته و آثار فراوانی را به دنبال دارد. خداوند متعال شاهد و ناظر بر همه هستی و از جمله رفتار، گفتار و افکار انسان ها است. او از اندیشه ها و حالات روحی و روانی افراد آگاه می باشد. بنابراین، انسان هر کاری که انجام می دهد، در پیشگاه پروردگار بوده و چیزی از اعمال و حتی نیایش او از خداوند مخفی نیست و اساساً همه عالم هستی در محضر الهی است.



رهیافت اقتصاد شادکامی بر این انگاره استوار است که شادی و نشاط مردم با میزان ارتکاب به جرائم از جمله بزهکاریهای مالی رابطه معکوس دارد و برای تحقق شادکامی، لازم است که شاخصهای کلان اقتصادی چون درآمد، رشد تولید مدلی، توسعه پایدار، تثبیت قیمتها، تجارت خارجی پویا و متغیرهای فرهنگی و مذهبی ارتقا یابند. اقتصاددانان در ابتدا به شاخصهای غیر اقتصادی شادکامی چندان امعان نظر نداشتند و یافتههای علم روانشناسی این نقیضه را جبران میکند و متد رفاه ذهنی را برای سنجش و ارزیابی میزان شادکامی تعبیه کرد. در این رویکرد به جای آنکه رفاه و شادکامی بر مبنای ترجیحات آشکار شده ارزیابی شود، آن را از طریق ترجیحات اراز شده افراد اندازهگیری مینمایند و در این رویکرد علاوه بر متغیرهای کلان اقتصادی به شاخصهای مهم غیر اقتصادی چون ساختار سیاسی، خصائص شخصیتی، امکانات بهداشتی و باورهای مذهبی افراد نیز مورد توجه قرار میگیرد. چرا که ترجیحات مادی تا یک سطح بخصوصی شادکامی را بهبود میبخشد و بعد از مرحله تأمین نسبی، ترجیحات غیرمادی برجستهتر میشوند.

با این همه ضرورت دارد که پیشگیری از جرم باید بیش از پیش در اولویت سیاستگذاری های جنایی قرار بگیرد. در پرتو مقررات فراتضمنی و قانونگذاریهای عادی و اتخاذ سیاستهای مناسب اجرایی و تدوین مقررات خرد تقنینی مناسب مانند آییننامهها، بخشنامهها، شیوهنامهها و صدور دستورهای اداری فراگیر، راهبرد پیشگیری از وقوع جرم از جمله بزهکاریهای مالی اجرایی و کارآمد شود. همچنین پروراندن شخصیتهای اجرایی کارآمد برای اجرایی کردن تدابیر ماهوی ضرورت دارد و در دانشگاههای نیز تأسیس رشته مطالعاتی پیشگیری از جرم مورد تاکید اندیشهورزان این حوزه است. دست آخر اینکه دستگاه قضایی نیز در این خصوص به اقدامات دانشبنیان و ظرفیت سازیهای مقتضی مباردت ورزند تا نتیجه مطلوب حاصل آید.

- ۱- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، جلد ۱، تهران میزان.
- ۲- احدی، فاطمه، پورقهرمانی، بابک و احمدی سربرزه، مظفر، (۱۳۹۸)، مکانیسم اقتصاد شادمانی در پیشگیری از بزهکاری و آسیب اجتماعی استفاده غیر متعارف از فضای مجازی، مراغه، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری دانشگاه آزاد اسلامی مراغه.
- ۳- آروین، ویلیام، (۱۴۰۰)، اقتصاد شادکامی، مترجم عاطفه نیکویان حیدری، تهران، نشرنویسه ی پارسی شماره ۵.
- ۴- اکبری، لیلا، (۱۳۸۰)، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۵- اکرمی، سام واکرمی، سعیده، (۱۳۹۵)، پیشگیری غیر کیفری در جرایم، تهران، دومین کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی.
- ۶- ترابی، یوسف (۱۳۹۰)، نقش دین و معنویت در پیشگیری از جرم، نشریف کارآگاه، سال ۴، دوره ۲، شماره ۱۴.
- ۷- جمشیدی، علیرضا، (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران، معاونت آموزش ناجا.
- ۸- چلبی، مشعود و موسوی، سید محسن، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، انجمن جامعه شناسی، ۹ (۱ و ۲): ۳۴ تا ۵۷.
- ۹- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۷)؛ دانشنامه امام علی (ع)، قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۰- رایحیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۳)، رهیافتی نو به بنیانهای نظری پیشگیری از جرم، تهران، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
- ۱۱- ساکی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۲- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران، مجد
- ۱۳- عباسی، بیژن، (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، تهران، نشر دادگستر.
- ۱۴- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر اشجع
- ۱۵- غلامی، حسین، (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۱۱.
- ۱۶- گسن، رمون، (۱۳۹۲)، جرم شناس بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، میزان.

- ۱۷- لطفی، نسرين، حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۱)، بررسی نقش مذهب در پیشگیری از وقوع جرایم از دیدگاه افراد عادی و مجرم، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۵، شماره ۴
- ۱۸- مجذوبی، غلامحسین، (۱۳۹۵)، نقش رونق اقتصادی در افزایش تولید، همدان، نشریه اتاق بازرگانی، شماره ۵.
- ۱۹- مداح، مهدوی، (۱۳۹۰)، تحلیل اثر فقر و نابرابری در آمدی بر جرم (سرقت) در سطح استانهای کشور، تهران، فصلنامه در پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم.
- ۲۰- محمدی، ابراهیم (۱۳۹۷)، نقش آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از جرم، دو فصلنامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی، سال ۴، شماره ۶، ص ۶۱ - ۸۶
- ۲۱- مهدوی حاجی، طاهره، (۱۳۹۷)، شادکامی، تهران، مرکز بهداشت شرق.
- ۲۲- میرشاه جعفری، ابراهیم و عابدی، محمدضا و دریکوندی، هدایت الله (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، تازه های علوم شناختی، س ۴ (۳).
- ۲۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۷)، کنترل اجتماعی جرم و واکنش اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۴- نوخانی دخت بهمن، محسن و میر محمد تبار، سید احمد، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فرا تحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)، تهران، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره سوم.
- ۲۵- نوربها، رضا، (۱۳۸۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
- ۲۶- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۳)، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- ۲۷- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری، در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- ۲۸- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۳)، تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰.
- ۲۹- نیلی، فرهاد، بابازاده خراسانی، بهزاد و شادکار، محمد سعید (۱۳۹۴)، بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی، تهران، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- ۳۰- همتی، فریده (گردآوری و ترجمه)، (۱۳۹۰)، سیاست اجتماعی، (نظریه های کلاسیک، مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه‌ای)، چاپ نخست، تهران: جامعه شناسان.
- ۳۱- وسنا نیکولیچ -رسینانویچ، (۱۳۹۶)، نقش شادکامی در پیشگیری از جرم، حرکت به سوی جرم شناس شادی بخش، مترجمان، حمیدرضا نیکوکار و سودابه رضوانی، تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۴۲.



Tao, H. L. (۲۰۰۸). What Makes Devout Christians Happier? Evidence -۱۳  
from Taiwan. Applied Economics. ۴۰ (۷): ۹۰۵-۹۱۹.